



جامعه شبکه‌ای و نظام آموزش باز

دکتر محمدعلی ابراهیمی*

قالب آموزشهای سنتی و فضای فیزیکی موجود امکانپذیر نخواهد بود. اما تجربیات دانشگاههای باز و آموزش از راه دور در جامعه شبکه‌ای جایگاهی خاص پیدا خواهد کرد و می‌تواند نقش مهمی در آموزش، به ویژه آموزش بزرگسالان، در نظم نوین جهانی داشته باشد.

کلیدواژه: جامعه شبکه‌ای، مهندسی ژنتیک، فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش مادام‌العمر.

مقدمه

در پایان هزاره دوم میلادی، چند رویداد مهم که اهمیت تاریخی دارند به وقوع پیوست. این رویدادها چشم‌انداز زندگی انسان را دگرگون ساخته‌اند. مهمترین آنها حول محور تکنولوژی اطلاعات متمرکز است، که با سرعتی شتابان در کار شکل‌دهی بنیانهای جدید جامعه در حرکت است و زمینه شبکه‌ای

چکیده: شروع هزاره سوم میلادی با انقلاب در مهندسی ژنتیک DNA و فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه است و با سرعتی شتابان در حال دگرگون کردن ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع کهن بشری است. جامعه شبکه‌ای با ویژگیهای خاص خود تمامی بنیانهای جامعه نظیر اقتصاد، آموزش، فرهنگ، سیاست و، به‌ویژه، زمان و مکان را در حال تغییر و تحول مداوم و جهانی شدن می‌بیند و دولتهای ملی و محلی را، که در شرایط متعارف نماینده اراده و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خودند، در برابر فشارهای خوردکننده فرایند و جهانی که همه اجزای آن سیال و متغیر است قرار داده است. با حضور این فرایند اجتناب‌ناپذیر، که جدایی از آن غیر ممکن است، دولتها باید به مسئولیت عظیم خود در قبال جامعه توجه داشته باشند و آگاهی چگونه زیستن در این جامعه را برای تمامی مردم از طریق آموزش مادام‌العمر فراهم نمایند تا شاید از این طریق بتوانند از حذف اجتماعی افراد و به حاشیه رفتن آنها در شبکه قدرتمند جهانی جلوگیری کنند.

دادن آموزش به حجم عظیمی از مردم جامعه در

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، سازمان مرکزی

ماهیت مسائل امروز با گذشته تفاوت اساسی دارد. بنابراین، راهکارهای قدیمی کارآیی و اثربخشی خود را از دست داده و نیازمند به شناخت و استفاده از ابزار جدید است.

با اینکه رسانه‌ها واقعاً در سطحی جهانی با یکدیگر مرتبط شده‌اند و برنامه‌ها و پیامها در شبکه جهانی در گردش‌اند، ما در دهکده جهانی زندگی نمی‌کنیم بلکه در کلبه‌هایی فراخور حال منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید و در محدوده محلی توزیع شده‌اند.

ویژگیهای جامعه شبکه‌ای

جامعه شبکه‌ای، که در آغاز هزاره سوم در گوشه و کنار کره زمین به چشم می‌خورد، ویژگیهایی دارد. به اعتقاد مانویل کاستلز، استاد و جامعه‌شناس برجسته آمریکایی، که با نگاهی نو و برای اولین بار جامعه شبکه‌ای را مطرح کرده و کتابی با همین عنوان تألیف نموده است، ویژگیهای جامعه شبکه‌ای عبارت‌اند از:

۱) **اقتصاد اطلاعاتی:** در اقتصاد اطلاعاتی آن بهره‌وری و رقابت میان بنگاههای تجاری و حوزه‌های اقتصادی کشورها بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانش، اطلاعات و فناوری لازم برای پردازش این اطلاعات معطوف شده است.

۲) **اقتصاد جهانی:** اقتصاد جهانی را نباید با اقتصاد جهان مترادف دانست. اقتصاد جهان امری نوظهور به شمار نمی‌آید، زیرا قرن‌هاست که در جریان است؛ اما اقتصاد جهانی یک واقعیت و فعالیت استراتژیک است که می‌تواند، در مقام یک واحد وابسته به هم، انواع کار و تکاپوی اقتصادی را در تراز جهانی و مقیاس سیاره‌ای در زمان واقعی به اجرا درآورد و، در درون شبکه، سرمایه‌ها را با سرعت و حجم زیاد از نقطه‌ای به نقطه دیگر، بدون نظارت و کنترل‌های محلی، منتقل کند. اقتصادهای ملی، منطقه‌ای

شدن روابط بشری را فراهم نموده است. فناوریهای نوین اطلاعات، اقصی نقاط عالم را در شبکه‌های جهانی به یکدیگر پیوند داده است. با این همه، ویژگی بارز اجتماعی و سیاسی دهه ۱۹۹۰ سامان دادن کنشها و سیاست اجتماعی پیرامون هویت‌هایی است که دارای پیشینه‌اند و ریشه در تاریخ و جغرافیا دارند، یا به‌تازگی در جستجوی معنا و معنویت ایجاد شده‌اند. به نظر می‌رسد نخستین گامهای تاریخی جوامع اطلاعاتی، هویت را، به عنوان اصل مهم سازمان دهنده، به وجه بارز این جوامع مبدل ساخته است.

فرهنگ و اندیشه زمان ما، که از مقیاس و دامنه تغییرات تاریخی به حیرت دچار شده و غالباً نوعی هزاره‌گرایی جدید را پذیرا شده است، به مبتکران فناوری اطلاعات، عصری جدید را بشارت می‌دهد و نگرش سیستمی و منطق کامپیوتری و DNA را که به درستی درک نشده به گرایشها و سازمانهای اجتماعی تعمیم می‌دهد.

البته، فناوری مسیر جامعه را تعیین نمی‌کند و جامعه نیز متقابلاً مسیر تحولات فناوری را مشخص نمی‌سازد؛ زیرا عوامل بسیاری، از جمله خلاقیت فردی و کارآفرینی، در فرایند کشف علمی و نوآوری تکنولوژیک و کاربردهای اجتماعی دخالت دارند، به نحوی که نتیجه نهایی به الگوهای پیچیده‌ای در تعاملات بستگی دارد. در واقع، آنچه را که امروز معضل فناوری می‌دانند مسئله‌ای کاذب و گمراه‌کننده است؛ چون فناوری در واقع، خود جامعه است که به این سمت و سو در حرکت است و درک و بازنمایی جامعه بدون ابزار فناوری همراه آن میسر نیست. در دنیای تغییرات سریع، دانش پژوهان وارثان آینده‌اند و کسانی که با دانش روز فاصله دارند خود را در جهانی می‌یابند که دیگر وجود عینی ندارد. آنها نمی‌توانند به کمک دانش و تجارب گذشته به حل تمامی مشکلات و مسائل روزمره خود بپردازند؛ چون

شرکتهای بزرگ با کاستن از تعداد افراد تحت استخدام خود به مقاطعه دادن پروژه‌ها و طرحها به شرکتهای کوچکتر گرایش پیدا کرده‌اند. در این شرایط، هرچند در میزان بیکاری به طور کلی تغییر محسوسی صورت نگرفته است، اما نگرانی افراد از آینده شغلی خود و احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده افزایش یافته است.

۵) ظهور قطبهای متقابل: فرایند جهانی شدن و شبکه‌ای شدن فعالیتهای اقتصادی موجب تقویت تلاشهای فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی، نظیر اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری، می‌شود. این تحولات، به نوبه خود، تقابل میان افرادی را که به اطلاعات دسترسی و توانایی بهره‌مندی از آن را دارند و کسانی که در چنین موقعیتی قرار ندارند افزایش می‌دهد و در افراطیترین شکل خود به ظهور گروههای بزرگ از افرادِ طردشده از اجتماع اطلاعاتی منجر می‌شود.

۶) فرهنگ واقعیت مجازی: فرهنگ عصر اطلاعات، در چارچوب انتقال نمادها، به وسیله واسطه‌های الکترونیکی شکل می‌گیرد که بسیار متنوع‌اند و با مخاطبان گوناگونی سروکار دارند و مجموعه‌هایی غنی از حیث محتوا، در قالب متون الکترونیک، در اختیارشان قرار می‌دهند. به این ترتیب، این فضای مجازی که حاوی اطلاعات بسیار زیاد و متنوع است به صورت بخشی از واقعیتهای اجتماعی عصر جدید درمی‌آید و فضای اصلی تعاملهای معرفتی را کم و بیش در اختیار می‌گیرد.

۷) سیاست بر بال رسانه‌ها: در فضای مسلط فرهنگ، که متکی بر واقعیت مجازی است، بازیگران سیاسی به منظور بقا و حضور در صحنه و تأثیرگذاری بر روند تحولات ناگزیرند از رسانه‌های حامل نمادهای الکترونیک، به خصوص تلویزیون، به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند. پیامی که در عرصه سیاست و از طریق رسانه‌های الکترونیک

و محلی، در نهایت، به دینامیسم اقتصاد جهانی متکی‌اند و، از طریق شبکه‌های اطلاعاتی و بازارها، بدان وابسته‌اند. این اقتصاد جهانی، که محصولات و عوارض آن در سرتاسر کره زمین پدیدار شده است، همه بخشهای مسکونی کره زمین را شامل نمی‌شود و، در واقع، بخش چشمگیری از جمعیت کره زمین از دایره فعالیتها و عملکردهای اقتصادی بیرون می‌ماند. خصلت این اقتصاد چنان است که بخشها، بازارها و افراد غنی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و در یک چرخه تولید سود به همکاری وادار می‌کند و افراد، بخشها و بازارهای فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود طرد می‌کند.

۳) فعالیتهای اقتصادی شبکه‌ای: این نوع فعالیتهای نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که مشخصه فعالیت اقتصاد جهانی به شمار می‌آید. این سازمان قادر است، به تدریج، منطق خاص خود را بسط دهد و بر دیگر سازمانها و تشکیلات سلطه پیدا کند. نمونه این نوع شبکه شرکتی چندملیتی، اتحادهای استراتژیک میان مؤسسات بزرگ و فعالیتهای اقتصادی و تجاری است که توسط دولتها تمشیت می‌شوند؛ از جمله می‌توان به ارتباطات میان بنگاههای خصوصی، شبکه‌های تولید و توزیع مواد مخدر و کالاهای قاچاق و شبکه فعالیتهای اقتصادی دولتی اشاره کرد.

۴) تحول در نحوه انجام کار و ساختار اشتغال: روابط کاری که در گذشته در ساختارهای گسترده صنعتی یا اداری میان کارگر و کارفرما یا رئیس و مرئوس برقرار بود اکنون جای خود را به روابط انعطاف‌پذیرتر و در محدوده‌های با حجم کوچکتر از حیث تعداد افراد شاغل داده است. کارمندان و کارگران برخلاف گذشته، قراردادهای استخدام مادام‌العمر امضا نمی‌کنند و شیوه‌های خوداشتغالی، کار پاره‌وقت و اشتغال برای یک دوره موقت رواج یافته است.

در چنین هنگامه‌ای موفقیت حکومتها و دولتها، که از یک سو در برابر فشارهای خردکننده فرایند جهانی قرار دارند و، از سوی دیگر، با مطالبات نهضت‌های بومی در قلمروهای خود مواجه‌اند، تحت عنوان بنیادگرایی یا دفاع از حقوق کارگران و یا مصرف‌کنندگان، خواستار مقابله با امواج تهدیدکننده جهانی شدن اقتصاد و الگوهای تازه فرهنگی‌اند تا به نوعی از بحران حاکمیت، که تضعیف حکومت‌های ملی را به همراه خواهد داشت، جلوگیری کنند. با این اعتبار، برای تمشیت امور جامعه شبکه‌ای می‌باید از مدل‌های تازه دموکراسی و مشارکت در سطوح بین‌المللی بهره‌گیری کرد. این امر، به واسطه تأثیرات پیچیده و متقابل انبوه ارزشها، مقولات معرفتی، شبکه‌های معنایی و محلی و بومی، امری به‌غایت دشوار است که هنوز چارچوب‌های نظری آن با دقت و درخور جامعه شبکه‌ای مشخص نشده است.

در غیاب توزیع معرفت در جامعه شبکه‌ای، خطر سلطه قدرتهای مافیایی افزایش می‌یابد و، در جهانی که همه اجزای آن سیال و متغیر و در حال تحول مداوم است، آنچه اهمیت دارد فراهم شدن شرایطی است که همه افراد اجتماع جرأت دانستن پیدا کنند و به بلوغ معرفتی برسند و، از این رهگذر، به راه حل‌های خرسندکننده دست یابند. برای دسترسی به بلوغ معرفتی، لازم است که دولت‌ها به آموزش و توسعه فرهنگی بیش از هر امر دیگری توجه کنند، تا مردم از این روندی که به سرعت در جریان است غافل نشوند و دولت‌ها، فرهنگ حرکت در این جریان سریع را از طریق سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، مهیا نمایند.

جایگاه آموزش در جامعه شبکه‌ای

اگر فرد احساس کند که در عصر انفجار اطلاعات نیاز به آموختن ندارد بی‌تردید دوره کارآیی و مفید بودن او به‌سر رسیده و چاره‌ای جز خروج از صحنه

انتقال پیدا می‌کند مؤثرترین ابزار فعالیت سیاسی به شمار می‌رود. در این صحنه، بهره‌گیری از پیامهایی با محتوای منفی بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. مؤثرترین پیامهای منفی عبارت‌اند از: افشاگریها، بازگویی رسواییهای اخلاقی و مالی، برجسته کردن فقدان مشروعیت سیاسی و نقاط ضعف دیدگاههای رقیب، که در موفقیت یا عدم موفقیت سیاسی تأثیر زیادی دارد.

۸) **زمان بی‌زمان و فضای جریانها:** در جامعه شبکه‌ای، مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن در جوامع ماقبل مدرن و حتی صنعتی تفاوت فاحش دارد. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلف جهان عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوبهای مکانیکی جهان صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است. مکان نیز، به نوبه خود، به مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و، به این اعتبار، حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین‌کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و، در عین حال، انحصاری به شمار آید.

جامعه شبکه‌ای، با مشخصه‌هایی که برای آن برشمرده شد، مستمراً در کار شکل دادن رابطه درونی این شبکه است و در این مسیر، با پیروی از منطق شبکه، دائماً در کار مرزشکنی مشکلات فرا روی این جامعه است. در درون جامعه شبکه‌ای، دولت‌های ملی، که در شرایط متعارف نماینده اراده و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هستند، یا چنان تضعیف می‌شوند که توانایی کنترل اطلاعات یا سرمایه را در درون مرزهای خود از دست می‌دهند یا چنان اهمیتی پیدا می‌کنند که می‌توانند بحرانهای بزرگ قومی و نژادی ایجاد کنند.

نخواهد داشت.

دانشگاههای سراسر دنیا، به‌ویژه دانشگاههای باز، آموزش سازمان‌یافته‌ای را به همراه تعداد زیادی از رشته‌های تحصیلی به صورت آموزش الکترونیکی یا e-learning ارائه داده‌اند و به سرعت درصدد توسعه فراگیر این شیوه آموزشی هستند. علی‌رغم این کوششها، این روند انتظارات جویندگان دانش را برآورده نمی‌کند. بنابراین، نظام آموزش سنتی باید به صورت جامع و همگام با آموزش الکترونیکی تحت «وب» تجربه شود و مورد تحلیل قرار گیرد.

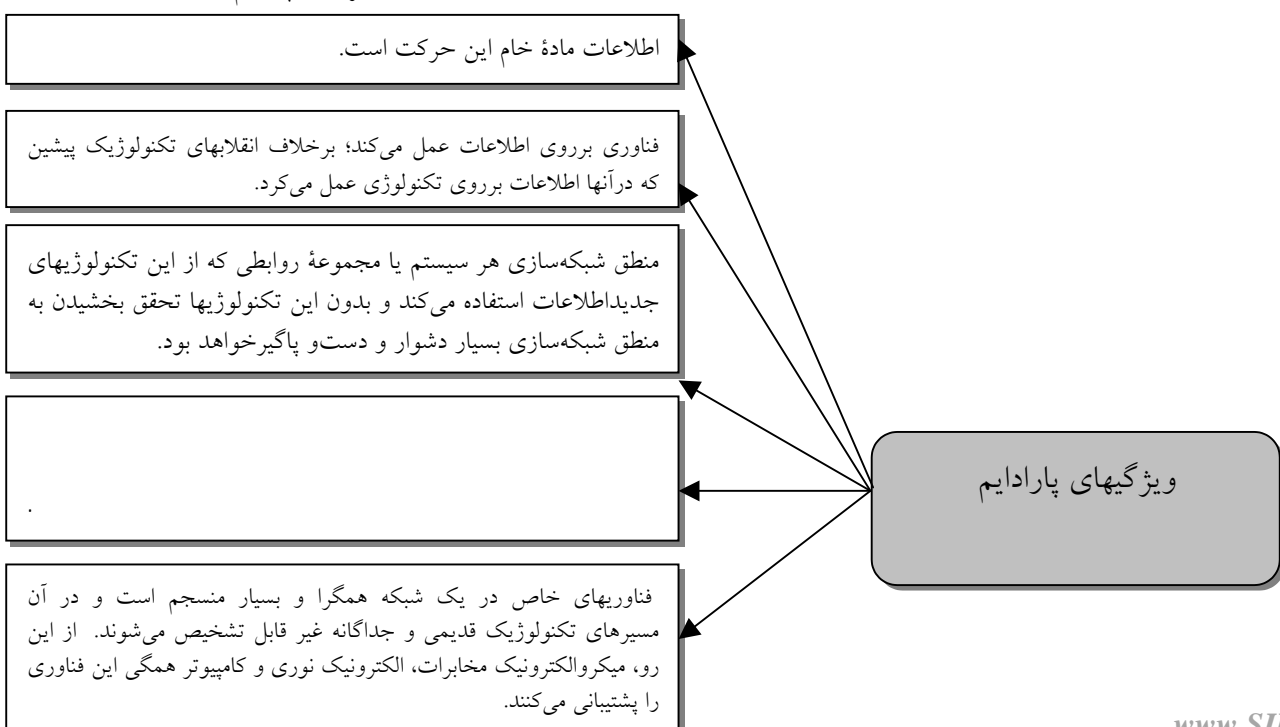
فناوری اطلاعات برق‌آسا در فاصله کمتر از دو دهه (نیمه دهه ۱۹۷۰ تا نیمه دهه ۱۹۹۰) در سراسر جهان گسترش یافته است. به کارگیری مستقیم تکنولوژیایی که این انقلاب را ایجاد می‌کنند، برای گسترش بیشتر این انقلاب و به هم پیوستن جهان از این طریق، صورت می‌گیرد. روی هم رفته، جوامعی که از فناوری جدید محروم شده‌اند از لحاظ فرهنگی و مکانی، طیف وسیعی را دربرنمی‌گیرند؛ زیرا فناوری اطلاعات، با توجه به تواناییهای گسترده، توانسته است تغییرات جدی در روند زندگی مردم اجتماع جهانی ایجاد کند. پارادایم فناوری اطلاعات دارای ویژگیهایی است که این ویژگیها را می‌توان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

میزان موفقیت هر جامعه بستگی به توان دانش‌پژوهانی دارد که درگیر فرایند یادگیری مادام‌العمرند. اگر توان آن را نداریم که فردا را برای فرزندانمان به دلخواه بسازیم، شرط عقل است که جوانان خود را برای زندگی در شرایط فردا آماده سازیم. لازمه این امر خارج شدن از پوسته سنتی و قدیمی است که یادگیری را صرفاً قابل حصول در کلاسهای درس و میزان دانایی حاصله را بر پایه درجه مدارک اخذشده ارزیابی می‌نماید.

تحصیلات دانشگاهی کلاسیک همواره جایگاه رفیع خود را حفظ خواهد نمود و دوره‌های آموزشی، به ویژه دوره‌های غیرمدون، هرگز نمی‌تواند جانشین تحصیلات دانشگاهی شود. البته دوره‌های آموزشی می‌تواند آشنایی با دانش خاص را به دانش‌پژوهان بیاموزد و باعث افزایش مهارت و صلاحیت و شایستگی افراد شود و چگونگی انجام کار را به آنان بیاموزد.

فضای فیزیکی موجود، تحت عنوان فضای آموزشی، در دنیای امروز، با توجه به نیاز روزافزون تمامی افراد در جوامع مختلف به آموزش مادام‌العمر، جوابگوی نیازهای آموزشی این جوامع به طریق سنتی نخواهد بود. برای حل مشکل فضای فیزیکی، که سد راه توسعه آموزش عالی برای همگان است،

جدول شماره ۱: ویژگیهای پارادایم فناوری اطلاعات



فراگیر شدن ارتباط کامپیوتری در دانشگاهها که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در مقیاسی جهانی انجام گرفت، دانش‌آموختگان دانشگاهی که از اوایل قرن بیست و یکم نهادها و شرکتها را در دست خواهند گرفت، مسئولیت خواهند داشت پیام رسانه‌های نوین را به بدنه جامعه منتقل کنند.

فضای جریانها

در جامعه شبکه‌ای، جایگاه زمان و مکان دگرگون شده است؛ زیرا، بدون شک، فناوری سیستمهای مخابراتی پیشرفته دفتر کار و کلاس درس را به مجموعه‌ای همه‌جاحاضر تبدیل کرده است. به این ترتیب، این فرصت را در اختیار مؤسسات و شرکتها قرار می‌دهد که بتوانند دفاتر مرکزی خود را از مناطق شلوغ و گران‌قیمت به مناطق خوش آب‌وهوا و زیبا در جهان منتقل کنند. به این‌گونه فضاها که در مقابله با فضای فیزیکی خودنمایی می‌کنند فضای جریانها گفته می‌شود. این حرکت به معنای پایان دفتر کار نیست بلکه به منزله تنوع یافتن مکانهای کار و تحصیل برای بخش بزرگی از جمعیت، به ویژه پویاترین و متخصصترین آنهاست. تجهیزات کاری از راه دور هر روز تحرک بیشتری می‌یابد و گرایش به سوی دفتر کار متحرک، به معنای واقعی کلمه، را افزایش می‌دهد. جالب است که، به‌رغم استفاده گسترده از کامپیوتر در کلاسهای درس در کشورهای پیشرفته، مدارس و دانشگاهها، نسبت به سایر نهادها، کمترین تأثیر را از منطبق مجازی در فناوری اطلاعات پذیرفته‌اند. در مورد مدارس ابتدایی و دبیرستانها این امر ناشی از این است که این نهادها، به همان اندازه که نهادهای یادگیری‌اند، مراکز مراقبت از کودکان نیز هستند. در مورد دانشگاهها دلیل این وضعیت این است که کیفیت آموزش هنوز به میزان ارتباط رودررو بستگی دارد و این وضعیت برای مدتی طولانی

امروزه، استفاده از ارتباط کامپیوتری در زمینه‌های آموزشی گسترش یافته است و در جهان صنعتی بخش بزرگی از جمعیت را، به ویژه در کلان‌شهرها، تحت پوشش قرار داده است. با وجود اینکه این سیستم به اندازه رسانه‌های همگانی فراگیر نخواهد بود و تنها به نخبگان نیز تعلق نخواهد داشت، ارتباط کامپیوتری در سراسر جهان با سرعتهای متفاوتی در حال گسترش است. بنابراین، برخی از جوامع بشری که همواره در لایه‌های تخصصی رده بالا متمرکز شده‌اند با یکدیگر مرتبط‌اند و ابعاد اجتماعی فضای جریانها را تقویت می‌کنند. این توانمندیهای شبکه‌های ارتباطی کامپیوتری ناشی از ویژگیهای منحصر به فرد این شبکه ارتباطی است، که شامل ارتباط کامپیوتری داخل و خارج اینترنت، فراگیری، تمرکززدایی چندجانبه و انعطاف‌پذیری است.

فرایند شکل‌گیری و انتشار اینترنت و شبکه‌های ارتباط کامپیوتری وابسته به آن، در ربع قرن گذشته، ساختار رسانه جدید را در معماری شبکه، در فرهنگ کاربران شبکه و در الگوهای واقعی ارتباطات برای همیشه شکل داد. معماری این شبکه، از لحاظ تکنولوژیک، باز است و همواره چنین خواهد بود. این امر دسترسی گسترده مردم را به شبکه امکان‌پذیر می‌سازد و محدودیتهای دولتی یا تجاری را که بر سر راه این دسترسی قرار دارند بسیار کاهش می‌دهد.

فرایند انتشار و توسعه شبکه، که دانشگاهها در آن نقش بسیار اساسی را ایفا کرده و ادامه خواهند داد، بسیار با اهمیت است؛ زیرا دانشگاهها دارای بیشترین توانایی برای گسترش دانش فنی و عادات ارتباط کامپیوتری‌اند و به عنوان عاملان اصلی انتشار نوآوریهای اجتماعی عمل می‌کنند؛ چرا که چندین نسل از جوانان وارد این شبکه‌ها می‌شوند و از شیوه‌های نوین تفکر، مدیریت عمل و ایجاد ارتباط آگاه می‌شوند و با این شیوه‌ها انس می‌گیرند. با

است، با الگوی تاریخی تبعیض نژادی، شکل شهری خاص محلات فقیر نشین و نارضایتی ریشه‌دار ایدئولوژیک و مقررات نظام حکومتی. با این همه، تجربه امریکا در زمینه نابرابری و حذف اجتماعی در شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای شاید نشانه‌ای از دورانی است که به زودی به سایر مناطق جهان و به ویژه به اروپا نیز خواهد رسید.

در دهه ۱۹۷۰ درآمد خانواده‌های متوسط ثابت باقی ماند و در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ به شدت کاهش یافت و از ۴۷۹/۴۴ دلار درآمد هفتگی در سال ۱۹۷۳ به ۳۹۵/۳۷ دلار در سال ۱۹۹۵ تنزل پیدا کرد. در واقع، اکثر خانواده‌ها در صورتی توانایی تأمین هزینه‌های خانوار را داشتند که زن و شوهر هر دو در تأمین بودجه خانواده سهیم می‌شدند. (نک: نمودار شماره ۱)

کاهش میانگین درآمد تأثیرات متفاوتی بر لایه‌های بالایی، میانی و پایینی جامعه داشته و روند نابرابری اقتصادی و قطبی شدن جامعه را تسریع کرده است. از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۵، سرعت رشد میانگین درآمد خانواده‌های ثروتمند سریعتر از همه گروهها بوده و این حرکت سبب شده که خانواده‌های فقیرتر، بیش از همه، شاهد کاهش درآمدهای خود باشند.

جامعه یک درصدی ثروتمندترین افراد در آمریکا، از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳، ثروت خود را تا ۲۸/۳ درصد افزایش دادند، در حالی که ۴۰ درصد خانواده‌های امریکایی کم‌درآمد شاهد ۴۹/۷ درصد کاهش داراییهای خود بودند. بنابراین، نه تنها زمینه نابرابری روزافزونی در جامعه فراهم شد بلکه این جامعه به نحو فزاینده‌ای به سوی قطبی شدن حرکت کرد. عده افرادی که درآمدشان زیر خط فقر است از ۱۱/۱ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۱۴/۵ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش یافت؛ یعنی ۳۸ میلیون امریکایی زیر خط فقر قرار دارند. (نک: نمودار شماره ۲)

همچنان ادامه خواهد داشت. اما تجربیات دانشگاه‌های باز، صرف‌نظر از کیفیت آنها، نشان می‌دهد این دانشگاهها شکلهایی از آموزش را ارائه می‌دهند که در جامعه شبکه‌ای جایگاه خاص پیدا خواهد کرد و می‌تواند نقش مهمی در سیستم آتی و گسترش یافته آموزش بزرگسالان داشته باشد و بازوی کمکی و توانمند نهادهای فعلی آموزش عالی باشد. از آنجا که مردم هنوز در مکانها زندگی می‌کنند ولی کارکرد و قدرت در فضای جریانها سازمان‌یافته‌اند و سلطه ساختاری منطق آن به گونه‌ای بنیادین معنا و پویایی مکانها را تغییر می‌دهد. تجربه‌هایی که با مکانها ارتباط دارند از قدرت متنوع و معنا به گونه‌ای روزافزون از دانش جدا می‌شود. این امر ناشی از دوگانگی ساختاری منطق فضایی است که راههای ارتباطی جامعه را تهدید کرده است. گرایش مسلط به سوی چشم‌انداز یک فضای شبکه‌ای و غیرتاریخی است که می‌خواهد منطق خود را بر مکانهای تکه‌تکه و پراکنده تحمیل کند، مکانهایی که هر روز بیش از پیش با یکدیگر بی‌ارتباط می‌شوند و کمتر می‌توانند دارای قواعد فرهنگی مشترک باشند و ممکن است در آینده به سوی زندگی در دنیاها موازی حرکت کنند و در ابعاد مختلف ابرفضای اجتماعی قرار گیرند. در زمانهای متفاوت آنها نمی‌توانند با یکدیگر برخورد کنند، مگر اینکه به گونه‌ای آگاهانه پلهای فرهنگی و فیزیکی بین این دنیاها را فراهم نماییم.

تأثیر جامعه شبکه‌ای بر روابط اقتصادی و اجتماعی کشورها امریکا، که از دهه گذشته دگرگونیهای ساختاری و سازمانی جامعه شبکه‌ای را تجربه کرده است، شاهد افزایش چشمگیر نابرابریهای اجتماعی، قطبی شدن جامعه و فقر و بینوایی در جامعه امریکایی است. مطمئناً امریکا جامعه‌ای بسیار ویژه

علل بروز فزاینده فقر در جامعه شبکه‌ای

جامعه‌شناسان و اقتصاددانان امریکایی موارد زیر را در

تشدید جریان فقر در جامعه فعلی امریکا مؤثر
می‌دانند:

www.SID.ir

۳) جذب زنان در بازار کار اقتصاد شبکه‌ای

جذب گسترده زنان در جامعه اطلاعاتی عامل مهمی است که به بازار اقتصاد شبکه‌ای امکان می‌دهد تا، با هزینه‌ای بسیار اندک، به گونه‌ای کارآمد عمل کند. در حالی که دستمزد زنان تحصیل کرده سفیدپوست در دهه گذشته در امریکا افزایش چشمگیری داشته، به طور میانگین، به ۶۶ درصد حقوق کارگران مرد هم‌تراز با آنان رسیده است. بدین ترتیب، سهم کلی دستمزدها در کل تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است.

۴) بحران خانواده پدرسالار

بحران خانواده پدرسالار - که تا حدی به استقلال روزافزون زنان مربوط می‌شود - بر اکثر مردم، به ویژه زنان و مادران، تأثیر منفی داشته است. پژوهشهایی که به همت اگین^۱، لیختر^۲، راجرز^۳ و لرمین^۴ انجام گرفته نشان‌دهنده ارتباط نزدیک میان ساختار دگرگون‌شونده خانواده و فقر فزاینده زنان و کودکان است. لرمین چنین برآورد می‌کند که رویگردانی از ازدواج و تشکیل خانواده‌های تک‌والدی دلیل نیمی از افزایش نابرابری دستمزدها و افزایش کلی میزان فقر کودکان بین سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۹ بوده است.

میزان فقر در خانواده‌هایی که مسئولیت آنها به عهده زنان بوده است بین سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۸۹ به ۳۸/۶ درصد رسیده است.

1. Egbin
2. Lichter
3. Rogers
4. Lehrmann

۵) ویژگیهای فقر جدید (فقر شبکه‌ای)

از ویژگیهای فقر جدید این است که افراد بیکار و خانواده‌های کارگری، که نمی‌توانند بر مبنای درآمدهای خود امرار معاش کنند، روی خط فقر قرار

۱) صنعت زدایی یا جهانی شدن تولید صنعتی

صنعت زدایی یا جهانی شدن تولید صنعتی نتایجی به همراه دارد؛ از جمله محروم شدن کارکنان شغل‌های تولیدی کارگری و کارگران نیمه‌ماهر که در این مشاغل از درآمد مناسبی برخوردار بودند؛ و برچیده شدن بنیانهای اقتصادی، تعاونیهای کارگری و سازمانی کارگران و تضعیف این سازمانها و محروم شدن کارگران از دفاع جمعی و سازمان یافته.

۲) فردی شدن کار و تبدیل شدن شرکتها به بنگاههای شبکه‌ای

فردی شدن کار و تبدیل شدن شرکتها به بنگاههای شبکه‌ای مهمترین عامل ایجاد نابرابری است، زیرا شرایط کاری برای هرکس منحصربه‌فرد است. بدین ترتیب، هر یک از افراد جامعه به دست سرنوشت سپرده می‌شوند. همچنین، به کارگرانی که دارای مهارت منحصربه‌فردند امتیازهای تعیین‌کننده داده می‌شود، که، در عین حال، جایگزینی آسان را برای بسیاری از کارگران میسر می‌سازد. علاوه بر این، با الگوی کار مادام‌العمر، کارگر موفق امروز می‌تواند به دلیل نداشتن امنیت شغلی به کارگر اخراج‌شده فردا تبدیل شود. این امر باعث می‌شود تنها تعداد کمی از کارگران بتوانند، برای مدت طولانی، در رده‌های بالای بازار کار قرار گیرند و بتوانند ثروتی کسب کنند. این اقلیت ممتاز هم باید تحصیلات بالایی داشته باشند. ولی این بدان معنا نیست که تحصیلات چاره‌ساز مشکل افراد یا نابرابریهای اجتماعی است.

تحصیلات شرط لازم موفقیت در اقتصاد اطلاعاتی است ولی شرط کافی نیست. داده‌ها نشان می‌دهد که دارندگان تحصیلات دانشگاهی نیز در دهه گذشته با رکود دستمزدهای واقعی رو به رو بوده‌اند.

جهانی را در ساختاری چندمرکزی استوار خواهد ساخت و، به‌رغم تداوم توسعه و اهمیت نظامی و تکنولوژیکی ایالات متحده آمریکا، وجود ابرقدرت حاکم را کم‌رنگتر و حتی منتفی خواهد ساخت. به نظر کاستلز، یکی از دلایل اهمیت فرایند تشکیل اتحادیه اروپا شکل جدیدی از حاکمیت و نهادهای نوین حکومت است که در حال شکل‌گیری است و، در واقع، می‌توان از شکل جدیدی از دولت نام برد که به آن دولت شبکه‌ای می‌گویند.

اخیراً، دو گرایش کلان عصر اطلاعات یعنی جهانی شدن اقتصاد، تکنولوژی و ارتباطات، از یک سو، و تأیید هویت به عنوان سرچشمه معنا، از سوی دیگر، آن را پیچیده‌تر ساخته و به حمایت از آن برخاسته است. به دلیل ناکامی دولتهای ملی کلاسیک در پاسخگویی به این چالشهای متقارن و متباین، نهادهای اروپایی می‌کوشند و تنها می‌کوشند تا با بهره‌گیری از شکلها و فرایندهای جدید با این گرایشها کنار بیایند و نظام نوین، یعنی دولت شبکه‌ای، را ایجاد کنند.

یکپارچگی اروپا واکنشی در برابر فرایند جهانی شدن و، درعین حال، پیشرفته‌ترین تجلی آن است. این یکپارچگی دلیلی بر این مدعاست که اقتصاد جهانی نظامی یکدست متشکل از شرکتهای و جریانهای سرمایه نیست بلکه ساختاری منطقه‌ای است که در آن نهادهای ملی قدیمی و هویت‌های فراملیتی نوین هنوز از نقش‌آفرینان اصلی سازماندهی رقابت تجاری و کسب منفعت یا از میان بردن منافع آن هستند. با این حال، این بدان معنا نیست که جهانی شدن تنها یک ایدئولوژی است. در عصر اطلاعات، فعالیتهای مرکزی و استراتژیک اقتصادی با بهره‌گیری از شبکه‌های الکترونیکی سرمایه، کالا و اطلاعات در هم تنیده شده‌اند. این یکپارچگی جهانی است که الهام‌بخش نهادهای اروپایی است و فرایند فعلی

دارند. یکی از شگفت‌انگیزترین جنبه‌های فقر نوین بی‌خانمانی است که در دهه ۱۹۸۰ در شهرهای آمریکا به شدت افزایش یافته است. در گزارشی که دولت کلینتون در سال ۱۹۹۴ ارائه داد، در آمریکا بین ۷ تا ۹ میلیون نفر بی‌خانمان وجود دارد و ۷ درصد از بزرگسالان آمریکایی در طول دوره زندگی خود بی‌خانمانی را تجربه کرده‌اند. این برآورد شاید اغراق‌آمیز باشد، ولی مهمترین مسئله این است که بخش عظیمی از این بی‌خانمانها، که تعدادشان به سرعت رو به افزایش است، خانواده‌های دارای فرزندند. مسئله مهم این است که فقر، وقتی شکل بینوایی و طرد اجتماعی به خود می‌گیرد و خیابان به محیط زندگی تبدیل می‌شود، داغ ننگ بر پیشانی افراد می‌گذارد و نابودی شخصیت در شبکه‌های اجتماعی، محنت و تنگدستی را بیشتر می‌کند.

نتیجه مجموعه روابط میان روندهای سلطه‌جویانه سرمایه‌داری اطلاعاتی، نابرابری و فقر گسترده است که به فرایند حذف یا طرد اجتماعی می‌انجامد؛ بدان سان که زمینه تباهی شخصیت و نابسامانی زندگی در محله‌های فقیرنشین مناطق داخلی شهرهای آمریکا را فراهم و مجسم می‌نماید.

دولت شبکه‌ای

اتحادیه اروپا، که در آستانه هزاره سوم شکل گرفت، اگر روزی تکمیل شود، یکی از مهمترین گرایشهای شبکه‌ای شدن و دنیای نوین ما را تعریف می‌کند. نخستین دلیل اهمیت این مسئله این است که چنین روندی احتمالاً - نه به طور حتم - نقطه پایانی برای جنگ‌افروزی میان ابرقدرتهای بزرگ اروپا خواهد بود؛ جنگهایی که در نیمه نخست قرن بیستم با خشونت شگفت‌انگیز به اوج خود رسید. یکی دیگر از دلایل اهمیت این روند این است که اروپای واحد و نفوذ فرهنگی و سیاسی آن، به همراه قدرافراشتن کشورهای آسیایی سواحل اقیانوس آرام، نظام قدرت

استقلال است می‌تواند به بقای خود ادامه دهد و اگر عقیده نداشته باشد که همزمان با بازتولید فرهنگ می‌توان دولتی منسجم نیز داشت، راه یکپارچگی را بیشتر سد خواهد کرد. به طور کلی، جستجوی هویت به عنوان پادزهر جهانی شدن اقتصاد و محرومیت سیاسی نیز در مرتبه‌ای پایتتر از سطح دولت و ملت‌ها جریان دارد و دینامیسم جدیدی به مناطق و شهرهای اروپا بخشیده است و مدل آینده اروپا ممکن است از آمیزه بین‌المللی شدن اقتصاد و تمرکززدایی فرهنگی ساخته شود.

منابع

- adam, Lishan** (1996), *Africa on the Line*;
Adams, David (1997), *Russian Mafia in Miami*;
Adler, Pauls (1992), *Technology and the future of work*;
Armstrong, David (1994), *Computer sex*;
As Lund, Anders (1995), *ow Russia Became a, market Economy*;
Boyer, Christine (1994), *The City of Collective memory*;
Brie (1992), *Globalization and production*;
Collective Author (1994), *The state of working woman*;
Cusumano, M. (1985), *The Japanese, Automobil industry*;
Daniels, P.W. (1993), *Service industrial in the world Economy*;
Graham, Stephen (1994), *Networking cities*;
G.st and Marvin Simon (1996), *Telecommunication and the city*;

اتحادیه اروپا را شکل می‌دهد. یکپارچگی اروپا مسئله دولت نیست بلکه مسئله ملت است. پیشرفت فرایند یکپارچگی اروپا به توانایی ملت‌ها در ادامه بقا بستگی دارد. یک ملت تنها در صورتی این یکپارچگی را روا می‌داند که اطمینان حاصل کند هویتش مورد تهدید قرار نخواهد گرفت و چه بسا، با قرار گرفتن در برابر هویت‌های مختلف تقویت خواهد شد. اگر ملتی احساس کند که تنها از طریق ارتباط نزدیک با دولتی که دارای حاکمیت و

- Hamiton, Garyg** (1991), *Business, networks and economic development in east and southeast Asia*;
Manual, Cast ells (1999), *The Rise of the Network society (the power of Identity)*;
 — (1999), *The Rise of the Network society (End of millennium)*;
 — (1999), *The Rise of the Network society*;
Rqndall, Stephen. J. (1992), *North America Without Border*;
Uchida, Hoshimi (1991), *International Technology Transfer*;
Wark, Mckenzie (1994), *Virtual Geography*;
Yoshino, K. (1992), *Cultural Nationalism*;
Zysman, Johnand (1997), *Economy and security in new European*.■